



رابطه پزشک با سایر پزشکان

دکتر علیرضا یلدا

کلی مسائلی است که هر انسان از نظر اخلاقی باید به آنها توجه داشته باشد. پاره ای از این عوامل در کار و حرفه پزشکی بیشتر مطرح می شوند و باید همیشه در مدنظر باشند.

یکی از مهمترین عوامل در ایجاد رابطه صحیح و انسانی، دوست داشتن همکاران و حتی عاشق آنها بودن است. دوست داشتن و عاشق دیگران بودن از ضروری ترین و مفیدترین مسائلی است که باید آموخت. خوشبختی و موفقیت هر فرد بستگی به چگونگی احساس نسبت به دیگران دارد و این وابسته به پندار،

مردم تلاش نمود. اخلاق پزشکی جزئی از مسئولیت پذیری و تعهد ما به انسانیت است. زیرا با اخلاق صحیح است که می توان از معلومات کسب شده در جهت خیر و صلاح جامعه استفاده نمود.

عوامل متعددی در رابطه پزشکان با یکدیگر دخالت دارند که بعضی از آنها باعث تحکیم و بعضی دیگر متأسفانه سبب تضعیف و حتی قطع رابطه خواهد شد. توجه به این عوامل و ایمان نسبت به اثر آنها برای رسیدن به مقاصد عالی پزشکی ضروری است. بسیاری از این عوامل جنبه تخصصی نداشته و به طور

پزشکان افراد یک خانواده هستند که اهداف یکسان و مقدسی دارند و برای رسیدن به مقاصد انسانی خود نیاز به وحدت و صمیمیت و یکپارچگی دارند که در مورد لزوم آن شک و تردیدی وجود نداشته و نیاز به استدلال ندارد. برای ایجاد روابط صحیح و حصول نتایج بهتر در درجه اول باید به اصول اخلاقی توجه داشت که در رأس آن پندار و گفتار و رفتار صحیح و انسانی است و با این زیربنای تقوی با کمک همکاران می توان از علم و دانش در رفع نیازمندی

گفتار و رفتار ما انسانهاست. خوشبختانه تمام اینها در اختیار ما است. در بین تمام موجودات روی زمین، انسان تنها موجودی است که اختیار پندار، گفتار و رفتار به او داده شده است. پس چرا ما نباید از این اختیار که باعث خوشبختی ما می شود استفاده کنیم. پس ای انسان با شعور! دوست بدار، تا خوشبخت شوی. هر چه بیشتر دوست بداری خوشبخت تر می شوی. هر چه بی چشمداشت تر و صمیمانه تر باشیم محیط بهتری خواهیم داشت و خوشبخت تر خواهیم شد.

برای دوست داشتن و عشق ورزیدن ابتدا باید کینه و نفرت و پیشداوریهای غلط را از خود دور کرد و منحصرأ بر اساس ذهنیات خود قضاوت نکرد. به فرض اگر افراد بدی وجود دارند باید بدانیم که اینها در جامعه بیمار شده اند و الاً ذاتاً بیمار نیستند. شاید رفتار و گفتار ما باعث بهبود مرض آنها بشود. در زمینه دوست داشتن و عشق ورزیدن باید به شعری نو از فریدون مشیری توجه نماییم:

ای همه مردم در این جهان به چه کارید؟

عمر گرانیامه را چگونه گزارید؟
هرچه به عالم بود اگر به کف آرید
هیچ ندارید اگر که عشق ندارید
وای شما دل به عشق اگر نپسارید

گر به ثریا رسید هیچ نیزید
عشق بورزید!
دوست بدارید!

عواملی که باعث قطع رابطه می شوند و در واقع آفات روابط صحیح و انسانی هستند مانند حسادت و بدگویی و غیبت و تهمت و بی حرمتی و انتقادهای غیر صحیح و حتی صحیح در انظار مردم و در جمع بالحن خشن و آمرانه، تعصب در گفته خود داشتن و اصرار ورزیدن در اینکه همه به گفته ما گوش دهند و مطابق نظر ما عمل کنند، فقط خود را با سواد و با علم دانستن، پاره کردن نسخه همکار و خنده و تبسم مسخره آمیز هنگام خواندن نسخه همکار، خط زدن دستوراتی که یک همکار هنگام ویزیت برای یک بیمار داده است، گروه بندی و دسته بندی علیه یک همکار یا عده ای از همکاران، علیه همکار نزد بیمار صحبت کردن این صفات و اعمال بد نه تنها باعث بدبین نمودن مردم و کاستن اعتماد آنها نسبت به همکاران می شود، بلکه سبب نزول شخصیت تمام جامعه پزشکی خواهد شد.

بحثهای شدید و تند در حضور بیماران نتیجه و اثر خوبی ندارد و باعث عدم اعتماد بیمار خواهد شد. چنانچه همکاری اشتباه کرده باید با کمال ادب و خوشروئی و حتی الامکان بطور خصوصی به او تذکر داده شود. باید در

نظر داشت که اکثر افراد با هیچ قیمتی حاضر به شکست شخصیت خود نیستند. یکی دیگر از مسائل مهمی که در روابط پزشکان باید مورد توجه قرار گیرد عبارت از حفظ حرمت بزرگترها است. بزرگترها و پیشکسوتان، پایه های اصلی جامعه هستند. توجه و احترام به آنها باعث دلگرمی جوانها به آینده خواهد شد. بزرگان از نظر روانی نیازهایی دارند. از جمله بکار گرفتن آنها، مثلاً مشورت نمودن با آنها که لازم است به این نیازها توجه نمود تا بدینوسیله آنها حس کنند که هنوز وجود دارند و زنده هستند. پزشکی که مدتها در محلی مشغول کار می باشد و موقعیت و شخصیتی برای خود کسب کرده است نباید بوسیله همکاران جوان مورد بی اعتنائی و بی حرمتی قرار گیرد. به فرض اینکه دانش و معلومات جوانها بیش از او باشد و از مسائل علمی روز بیشتر اطلاع داشته باشند باز هم باید نسبت به همکار مسن تر از خود شرط ادب و احترام را نگاهدارند و عمل و یا صحبتی نکنند که باعث آزرده گی خاطر همکار خود گردند. به هر حال افراد مسن هم دارای تجربیاتی هستند که می توان از توأم نمودن آنها با تئوریهایی که جوانها بیشتر می دانند حداکثر استفاده را نمود. بعضی از جوانها که بسیار خوب درس

خوانده و مطالب را یاد گرفته‌اند، ممکن است دچار یک بیماری مهم و خطرناک گردند و آن عبارت است از غرور علمی که در این زمینه دیگران را لایق و کاردان ندانسته و به آنها بی‌احترامی می‌کنند. از وظایف مهم مراکز آموزشی برحذر داشتن جوانها از چنین صفت ناشایسته است.

در زمینه حفظ حرمت همکاران، باید افراد بزرگتر هم توجه به وضع فکری و خصوصیات شخصیتی همکاران جوان داشته باشند. همکاران جوان بسیار حساسند و به مناسبت جوانی دنبال نام و نشان بوده و نیاز به خودنمایی و مطرح بودن و تعریف دارند. باید به جوانها احترام بگذاریم و پهلوی خود بنشانیم و اجازه دهیم صحبت کنند و اظهار نظر نمایند. اگر در جمعی صحبت می‌کنند، به فرض غلط بودن نباید صحبت آنها را قطع کرد و باید کاملاً به حرف آنها گوش کرد و حرفی نزد و یا حرکتی نکرد که باعث خنده حضار شود و گوینده احساس شرمندگی و خجالت کند. اگر پزشک جوان بیماری را با خود آورده و یا با یکی از افراد فامیلش مراجعه کرده باید به او احترام بگذاریم و او را خوب تحویل بگیریم و اگر به مطب آمده از او ویزیت نگیریم تا احساس خوبی در او پیدا شود و خاطره

خوبی برای او ایجاد نماید و چه خوبست از آنها تعریف کنیم و محاسن آنها را به زبان آوریم. باید دانست که همه نیاز به تعریف و ستایش داریم. هیچکس، خواه بزرگ و خواه کوچک، نیست که از تقدیر و ستایش و تشویق خوشنود نشود. آنچه مردم به آن احتیاج دارند این است که با محبت به آنها نگاه کنیم و خوبیهای آنها را پیدا نموده و بزبان آوریم. اساتید مخصوصاً باید نسبت به همکاران جوان خود باید چنین توجهی را داشته باشند. در کنفرانسها و در کلاسها، اساتید و بزرگان باید به جوانها اجازه اظهار وجود و سخنرانی بدهند و از نظریات آنها جویا شوند و با این کار سبب بالا بردن شخصیت جوانها و پرورش آنها گردند و در واقع آنها را آماده برای جایگزینی خود نمایند. اگر بزرگان نسبت به جوانها احساس پدر را نسبت به فرزند را داشته باشند، دارای محیط کار بسیار صمیمانه و سازنده خواهیم شد. با این رفتار پدران، جوانها مشکلات خود را با بزرگترها در میان می‌گذارند و با کمک و راهنمایی آنها مشکلات حل خواهد شد و چه سعادتى بالاتر از این که قادر به حل و رفع مشکلات همکاران باشیم.

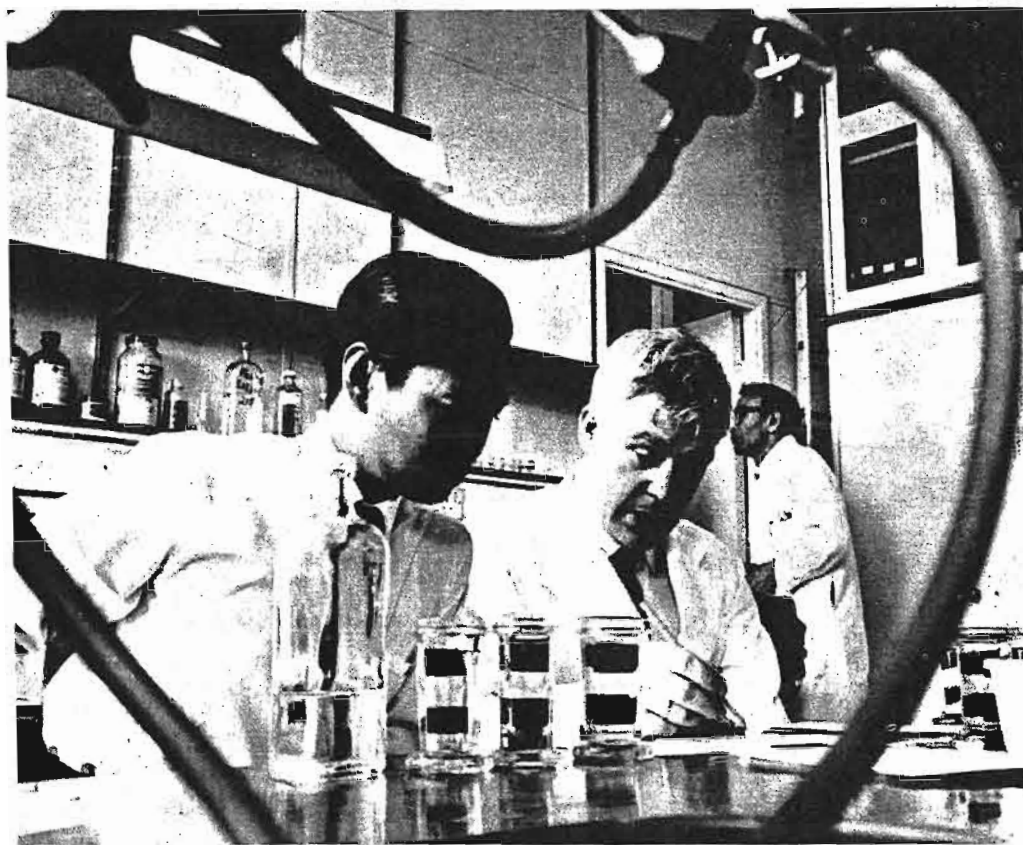
روابط اساتید در محیطهای آموزشی بسیار مهم است. اساتید با روابط صحیح

و انسانی می‌توانند محیط آموزشی بسازند. خوب و آموزنده‌ای بوجود آورند. جوانها از کلیه مسائلی که بین اساتید رد و بدل میشود الگو برمی‌دارند. بحث کردن اساتید با هم و گوش کردن و طرز پاسخ دادن و حتی حرکات و خنده آنها می‌تواند آموزش صحیح و یا غلط بدهد در جلساتی که روابط صحیح بین اساتید نباشد اکثراً محیط آموزشی تبدیل به محیط خنده و مسخره و غیر آموزشی می‌شود. باید بیاموزیم که چطور حرفهای مخالف خود را تا آخر بشنویم و عصبی نشویم و به مخالف خود بی‌احترامی نکنیم. ما وظیفه داریم گذشته از رشته تخصصی خود از نظر اخلاق هم به همکاران جوان خود آموزش دهیم. حفظ شخصیت همکار و احترام گذاردن به آنها نه تنها در حضور آنها بلکه در غیاب آنها نیز لازم و واجب است. بدین جهت ما حق نداریم در غیاب یک همکار از او انتقاد و بدگوئی کنیم. این اعمال بویژه در نزد مردم اثرات بسیار بدی دارد که حاصل آن بدبینی و عدم اعتماد مردم به تمام پزشکان می‌باشد. در ضمن نباید اجازه دهیم دیگران و از جمله بیماران علیه پزشک و همکار نزد ما صحبت کنند. باید زمان و وقتی که در اختیار داریم صرف اعمال صحیح شود نه اینکه صرف تهمت و غیبت افراد غیبت

کننده و تهمت زننده شیاطینی هستند که مانند آفاتی حمله به مغز و فکر انسان می کنند. اگر به فرض پزشکی در کارش اشتباه کرده است باید با سیاست خاصی و بطور سریع و کوتاه مسئله را تمام کنیم نه اینکه بیشتر دامن بزنیم و خود را مشتاق نشان دهیم که بیمار علیه همکار ما سخنرانی کند. و ما با حالتی موافق گفته های او را تأیید کنیم. چه بسا بیماریهایی که در شروع نامشخص می باشند و هر کس در ابتدا ممکن است تشخیص ندهد. این موضوع را باید برای مردم توضیح داد. تأیید کردن گفته های بیمار و اطرافیان او علیه پزشک اولیه ممکن است بیمار را وادار به اعمال توهین آمیز و شکایت و حتی رفتارهای خطرناک نماید.

بیمار انجام داده به نفع بیمار استفاده کرد. مثلاً اگر دارویی تجویز شده که اگر اثر نکرده و یا تجویزش درست نبوده نباید گفت چرا این دارو داده شده و یا اینکه بیخودی تجویز شده است.

همکار پزشک بویژه اگر دانشگاهی باشد و در علوم پایه زحمت کشیده توجهی خاص مبذول شود. یکی از اساتید دانشگاه که انفارکتوس کرده بود توانایی پرداخت وجه لازم برای آنژیوگرافی را در یک کشور خارجی نداشت. استاد دیگری که نیاز به عمل جراحی قلب داشت، به علت نداشتن پول در یک بیمارستان



در زمینه مشاوره های پزشکی نیز همکاران بسیار باید مراقب باشند در حضور بیمار و اطرافیان او با همکاران خود بحثهای تند و مجادله نکنند. اگر اشتباهی شده باید بطور خصوصی گفته شود. در مشاوره ها باید با همفکری و تبادل نظر حداکثر استفاده را به بیمار رساند نه اینکه مشاوره جنبه ظاهری و بی فایده و منحصرأ حمایت بی مورد از همکار باشد. به جای انتقادهای بی مورد و غیر سازنده و وقتگیر باید از تمام کارهایی که پزشک و مسئول اول برای

در هنگام بیماری و کمکهای لازم در این زمینه، اطلاع از وضع داخلی و مادی همکاران (در سطح معقول و متعادل) و سعی در رفع گرفتاریهای همکاران بویژه در هنگام غیبت آنها و یا خدای ناکرده در فقدان آنها باید به نیازهای مادی و معنوی زن و فرزندان

خصوصی او را نپذیرفتند و در یکی از بیمارستانهای دانشگاهی تحت عمل جراحی قرار گرفت. استاد دیگری که دچار یک بیماری غیر قابل علاج شده، در حالی که اشک در چشمانش داشت می گفت از زمانی که بیمار شده و در منزل بستری است هیچکدام از همکارانی

پزشک خود چنین درخواستی را بنماید
 پزشک باید یک یا چند متخصص واقعاً
 ذیصلاح را معرفی نماید. در همین زمینه
 است فرستادن بیمار به آزمایشگاه و
 بخشهای رادیوگرافی و سونوگرافی و
 غیره. در این موارد در زمینه روابط غیر
 اخلاقی ممکن است اعمال ناشایسته‌ای
 انجام شود.



در مورد رابطه پزشکان با داروسازان
 باید دانست که پزشکان داروساز نقش
 مهمی در اعتماد بیماران به پزشک معالج
 دارند که این موضوع به میزان زیادی به
 طب سنتی ما مربوط است. به این معنی
 که در گذشته افرادی که نقش پزشک را
 داشتند دارو هم می‌دادند و مورد مشاوره
 بیماران حتی در زمینه‌های غیرپزشکی
 قرار می‌گرفتند. هنوز هم در بعضی
 موارد ملاحظه می‌شود که بیمار در
 ابتدای بیماری خود به داروخانه مراجعه
 می‌کند. چنانچه دکتر داروساز نسبت به
 دکتر و نسخه او نظر منفی داشته باشد
 به سهولت می‌تواند بیمار را منصرف
 کند. بعضی از بیماران از دکتر داروساز
 و حتی از افرادی که در داروخانه کار
 میکنند آدرس دکتر خوب و وارد را
 می‌گیرند. داروسازان گاهی اشتباهات
 موجود در نسخه پزشکان را به طریق
 بسیار مؤدبانه و منطقی برطرف می‌کنند
 و با این عمل صحیح خود ایجاد رابطه

داشته باشیم که معلوم نیست تا چند
 لحظه دیگر زنده باشیم باز هم همینطور
 در حال قهر و بدبینی و بدرفتاری باقی
 خواهیم ماند؟ بیایید قبل از آنکه به یاد
 هم بنشینیم در کنار و پهلوی هم و با
 دوستی و عشق بنشینیم.
 خوشبختانه بعضی از پزشکان روابط
 بسیار دوستانه و نزدیکی با هم پیدا
 می‌کنند و معاشرتهای خانوادگی دارند
 که چنانچه صحیح و سالم باشد و با فکر
 و زیر بنای مادی نباشد بسیار خوبست.
 متأسفانه در بعضی موارد این روابط زیر
 بنای مادی پیدا می‌کند که ممکن است
 سبب شود انسان را از مسیر صحیح و
 اخلاق حسنه پزشکی خارج نماید. در
 همین زمینه باید توجه داشت که در
 معرفی بیمار به پزشک دیگر، تعصب به
 خرج ندهیم و بیمار را مجبور نکنیم که
 حتماً به فلان پزشک که مورد نظر و
 دوست ما است مراجعه نماید. در معرفی
 بیمار به پزشک دیگر در درجه اول باید
 بیمار را آزاد گذارد و چنانچه بیمار از

که سالها با او حتی در یک بخش
 بوده‌اند به عیادت او نرفته‌اند. (عجب ما
 انسانها تنها هستیم در حالیکه در اطراف
 ما خیلی‌ها وجود دارند.) آیا تا این حد
 پول ارزش پیدا کرده که همه چیز را
 پشت سر گذاشته‌ایم و در کشفاتها
 غوطه‌ور شده‌ایم و تا بدین حد تنها
 هستیم. آیا کسبه‌ها و راننده تاکسی‌ها
 و مشاغل دیگر هم رابطه‌ای این چنین
 دارند؟! ما طبقه تحصیلکرده و
 به اصطلاح روشنفکر و متخصص به کجا
 می‌رویم؟

زمانی که به دلیلی که اکثراً کم
 اهمیت است با هم اختلاف پیدا کرده و
 با اصطلاح قهر می‌کنیم چرا هیچکدام در
 صدد رفع آن برنمی‌آئیم و چرا عده‌ای
 باین وضع دامن می‌زنند، بجای اینکه با
 حسن نیت پا میان گذارده و همکاران را
 آشتی دهند چه اشکالی دارد که خودمان
 پا جلو گذارده و همکاران را در بغل
 بگیریم و ببوسیم و عذر بخواهیم، حتی
 اگر تقصیر با دیگریست. اگر در نظر

- ۱- مجموعه مقالات صاحب‌نظران دربارهٔ اخلاق پزشکی ، دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، ۱۳۴۹.
- ۲- کتاب «زندگی با عشق چه زیباست» ، نویسنده لئوبوسکالیا، مترجم: توراندخت تمدن، ۱۳۷۱.
- ۳- مجموعه اشعار فریدون مشیری
- ۴- کتاب «نمونه‌هایی از نثر فارسی» تألیف: دکتر علی اکبر فرزام پور، شهرویور، ۱۳۴۹.
- ۵- از مجموعه مطالب انتخاب شده از کتابهای مختلف ادبی (به صورت دو دفترچه چاپ نشده) تهیه شده بوسیله دکتر یلدا.



انسانی بین خود و طبیب می‌نمایند. متأسفانه در بعضی موارد دکتر داروساز و حتی کمک داروساز، مسئله را بزرگ کرده و در حضور بیمار و اطرافیان با صدای بلند پزشک مورد نظر را مسخره کرده و تلفنی با لحن بدی با او تماس می‌گیرد. حاصل این نوع برخوردها، از بین رفتن اعتماد بیمار به پزشک معالج و مهمتر از همه ایجاد عدم اعتماد و بدبینی به کل جامعهٔ پزشکی و داروسازان است. زیرا بعضی از مردم عادت دارند که از گاهی گوهی بسازند، بدین معنی که اشکالات جزئی و معدود را عمومیت و کلیت می‌دهند. پزشکان در مواجهه با چنین ایراداتی بویژه چنانچه دارویی را اشتباه نوشته باشند نباید ناراحت شوند و اعتراض کنند بلکه باید از آنکه متوجه اشتباه شده تشکر نمایند و خوشحال شوند که مثلاً داروی اشتباه به بیمار نداده‌اند. به امید روزیکه همهٔ ما پزشکان من و منیت و خودخواهی و تکبر را کنار بگذاریم و با هم مانند پدر و مادر و خواهر و برادر باشیم و در حکم واحد برای کمک به بیماران نیازمند تلاش کنیم.